

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25386328.1401.4.7.9.2>

Interpretive Structural Modeling of Solving Complex Problems in the Period of Holy Defense

Mohammad Hosein Shadmanfar¹, Mohamma Hossein Alipour²

Abstract

Every country faces with various problems in which the solutions related to those depend on having a model for setting priorities, explaining the angles of the problems, designing solutions, etc. Since the requirements of the countries have been different from each other, we needed a local model suitable to our needs. Post-islamic revolution of Iran also faced complex issues with the needs regarding to the Iranianness, Islamism, and modernity. In the meantime, holy defense has been experienced in carrying efficient and native knowledge in recognizing and solving complex issues while this knowledge is implicit and needs to be investigated, deepened and modeled to become explicit knowledge. The present article examines the practical experiences of the holy defense commanders and how they face complex issues, using the theme analysis strategy and semi-structured interviews with 8 experts of the holy defense era, identifying 180 identifiers, 31 basic themes, 8 organizing themes and then using the ism method, he presented its interpretive structural model. The results showed that in order to face the complex issues in the sacred defense of an 8-step model including recognition of the desired situation, information gathering, analysis of the current situation, discovery and identification of issues, environmental science, idea generation, action planning and evaluation and effectiveness measurement. It has been used and can be extended to other management fields needed in the Islamic Revolution.

Keywords: *Problem-oriented, complex problem solving, sacred defense, interpretive structural modeling*

-
1. corresponding author: PhD student in Public Administration, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran; shadmanfar.mh@ihu.ac.ir.
 2. Assistant Professor, School of the Prophet (PBUH), Imam Hossein (PBUH) University, Tehran, Iran

مدل سازی ساختاری تفسیری حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس

محمدحسین شادمان فر^۱، محمدحسین علیپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

چکیده

هر کشوری با مسائل متعدد و متکثر مواجه است که حل آنها منوط به داشتن مدلی برای تعیین اولویت‌ها، تبیین زوایای مسائل، طراحی راه‌حل‌ها و غیره است. از آنجایی که اقتضات کشورها با یکدیگر متفاوت می‌باشد؛ نیازمند مدل بومی متناسب با اقتضات خود هستیم. ایران پسا انقلاب اسلامی با اقتضات نشأت گرفته از سه گانه ایرانیّت، اسلامیت و مدرنیته با مسائل پیچیده‌ای مواجه شد. در این میان، دفاع مقدس دربردارنده دانشی کارآمد و بومی در شناخت و حل مسائل پیچیده، تجربه شده است؛ این‌درحالی است که این دانش، ضمنی است و برای تبدیل شدن به دانش صریح نیازمند بررسی، تعمیق و مدل‌سازی می‌باشد. در مقاله حاضر با بررسی تجربیات زیسته فرماندهان دفاع مقدس و نحوه مواجهه ایشان با مسائل پیچیده و با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۸ نفر از خبرگان دوران دفاع مقدس، ۱۸۰ شناسه، ۳۱ مضمون پایه، ۸ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی و سپس با استفاده از روش ISM، مدل ساختاری تفسیری آن ارائه شده است. نتایج نشان داد به منظور مواجهه با مسائل پیچیده در دفاع مقدس از الگویی ۸ مرحله‌ای شامل شناخت وضعیت مطلوب، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل وضع موجود، کشف و شناسایی مسائل، محیط‌شناسی، ایده‌پردازی، برنامه‌ریزی اقدام و ارزیابی و اثرسنجی استفاده شده است و این الگو قابل تسری به سایر عرصه‌های مدیریتی مورد نیاز در انقلاب اسلامی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مسئله‌محوری، حل مسائل پیچیده، دفاع مقدس، مدل‌سازی ساختاری تفسیری.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین (ع)،

تهران، ایران؛ shadmanfar.mh@ihu.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده پیامبراعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران؛ mh.alipoor@ihu.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

چستی «مسئله»، چرایی «مسئله محوری» و چگونگی تحقق آن اگر اولویت دارترین دغدغه دولت‌ها در حکمرانی نباشد، از جمله دغدغه‌های اساسی و گلوگاهی آن‌ها محسوب می‌شود. این اهمیت و اولویت با گسترش مدرنیته و سیطره تمدن غرب بر جهان بیش‌ازپیش نمایان شد. مدرنیته به واسطه توسعه تکنولوژی، تغییر در علم و فناوری در عرصه‌های مختلف و گسترش آن‌ها بدون محدودیت مرزهای جغرافیایی، تغییری ملموس در تمام نظامات اجتماعی جهان اعم از اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، فرهنگی و حتی سیاسی به وجود آورد و این امر با توجه به تلاقی مدرنیته با اقتضانات ملی، بومی و مذهبی کشورها منجر به ایجاد نظامات التقاطی و در نتیجه پیچیده‌تر شدن مسائل دولت‌ها گردید. به همین دلیل «مسئله» تبدیل به کلیدواژه‌ای شد که تعاریف متعدد و متفاوتی از آن صورت گرفت. برخی مسئله را نتیجه وجود یک تضاد، نقض، خلا و... می‌دانند (مقیمی و فرهمند، ۱۳۹۰). برخی دیگر آن را آنچه باید تغییر کند، بیان کرده‌اند و برخی دیگر مسئله را یک موضوع قابل‌رسیدگی یا شرایطی دانسته که می‌بایست بهبود یابد (Kush, 2015). علیرغم تمام تفاوت‌ها در تعاریف، مفهومی متفاهم و مشترک در میان عموم مردم و نخبگان تحت عنوان «فاصله وضع موجود تا مطلوب» را می‌توان مهم‌ترین وجه اشتراک تعاریف از «مسئله» بیان نمود (مقیمی و فرهمند، ۱۳۹۰).

البته از این جهت بین مسئله با مشکل، معضل، بحران، فاجعه، تهدید و ... نیز مشابهت دیده می‌شود که تمایز بین این کلیدواژه‌ها معمولاً با بیان ویژگی‌های خاص هر یک صورت می‌گیرد. از آنجایی که این پیچیدگی در وهله اول در جوامع غربی یا به تعبیر خودشان «کشورهای توسعه‌یافته» بوجود آمد، بحث از الگوهای شناخت مساله، تکنیک‌های اولویت‌بندی مسائل، مدل‌های حل مسئله و غیره از سابقه بیشتری برخوردار بوده و دانش مدون‌تری را در اختیار دارد. در این راستا با توجه به تمایز انقلاب اسلامی ایران از جریان تمدن غرب به لحاظ مبنایی، تفاوت اقتضانات بومی، تفاوت سنخ و سطح پیچیدگی مسائل، لازم است الگوی شناخت و حل مسائل نیز مناسب با اقتضانات خاص انقلاب اسلامی طراحی و مبنای عملکرد حاکمیت قرار گیرد.

انقلاب اسلامی ایران نمونه ارزشمندی از به‌کارگیری چنین الگویی در دفاع مقدس تجربه کرده که در خلال آن مسائل پیچیده در حوزه دفاعی امنیتی و در ارتباط با مسائل سایر عرصه‌های

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره تحلیل و حل نموده است. این الگو در سطح دانش ضمنی، کارآمدی خود را اثبات کرده و منجر به حل مسائل پیچیده گردیده است؛ لکن توسعه الگو از سطح دفاعی امنیتی به الگویی جامع جهت مواجهه با مسائل پیچیده در انقلاب اسلامی ایران و انتقال آن به مدیران، مسئولان، نخبگان و عموم کنشگران و فعالان عرصه‌های مختلف، نیازمند تبدیل آن به دانشی صریح می‌باشد. این در حالی است که غالب تلاش‌های صورت گرفته در بیان الگوهای مسئله‌شناسی و حل مسئله مناسب انقلاب اسلامی یا ریشه در گونه‌برداری از مدل‌های غربی داشته و یا در سطح مبانی نظری، کلیات یا طراحی الگو باقی مانده و کارآمدی الگو به اثبات نرسیده است. پژوهش حاضر به بهره‌مندی از تجربیات دفاع مقدس در شناخت و حل مسائل پیچیده سعی در مدل‌سازی الگویی نموده است که کارآمدی آن در مقام اجرا به اثبات رسیده و با تبدیل دانش ضمنی موجود در این عرصه به دانش صریح امکان توسعه استفاده از این الگو در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره فراهم می‌گردد. براین-اساس پرسش‌های کلیدی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- مدل حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس چگونه بوده است؟
- ۲- ابعاد و مؤلفه‌های آن مدل چیست؟
- ۳- رابطه (هستان‌شناسی) بین مؤلفه‌ها چگونه است؟
- ۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

ادبیات نظری

مسئله محوری^۱

اساسی‌ترین و مبنایی‌ترین نقطه‌ای که آغاز تمایز جریانات مسئله‌محوری از یکدیگر می‌شود، تعریف مسئله است (علی‌پور و شادمان فر، ۱۴۰۰). برخی رویکردهای سازمانی، مسئله را این‌گونه تعریف می‌کنند: هر مسئله نتیجه وجود یک تضاد، نقض، خلا و... است (مقیم و فرهمند، ۱۳۹۰). در تعریفی کوش^۲ (۲۰۱۵) مسئله را یک موضوع قابل‌رسیدگی یا شرایطی دانسته که می‌بایست

1. Central Issue
2. Kush

بهبود یافته و خلاء تصویر موجود مسئله و تصویر مطلوب آن را یا هدف از یک فرایند یا ستاده را تعیین نماید و در نتیجه هر مسئله نتیجه وجود یک تضاد، نقض، خلا و ... است (مقیمی و فرهمند، ۱۳۹۰). در فرهنگ لغت آکسفورد^۱، مشکل به این صورت تعریف می‌شود: «موضوع یا موقعیتی که ناخوشایند یا مضر تلقی می‌شود و نیاز به رسیدگی و غلبه بر آن دارد». شونگ^۲ و توماس^۳ (۱۹۸۳) نیز تأکید می‌کنند، مسئله یابی فعالیتی است که تنها به یافتن مشکل منتهی نمی‌شود، بلکه کاوش عمیقی برای کشف علل زمینه‌ای هر مشکل است. از نظر الوانی (۱۳۹۹) مسائل گسترده و فراگیرند و اهداف و مقاصد متعددی را در زیر چتر خود قرار می‌دهند؛ جزئی و خاص نیستند و حیطة نسبتاً وسیعی را در بر می‌گیرند.

رویکردهای مسئله‌محوری

جهان‌بینی هر فرد در اینکه چه چیزی را مسئله بداند و چه چیزی را مسئله نداند، مؤثر است. این یعنی می‌توان بر اساس نوع جهان‌بینی‌ها، جریان‌هایی را در مسئله‌محوری ذکر کرد؛ به عبارت دیگر بر اساس نوع نگاه به جامعه ایده‌آل و مطلوب که بر اساس مبانی اندیشه‌ای هر جریانی بیان می‌شود، می‌توان جریان‌هایی را در مسئله‌محوری ترسیم کرد که با یکدیگر تمایز دارند و طبق نگاه خود، مسائل خاصی را به‌عنوان مسئله اصلی و واقعی مطرح می‌کنند (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰).

رویکرد توسعه‌غربی

این جریان، جریان کاملاً غربی است که ریشه‌های اندیشه آن را می‌توان در فلسفه غرب که زاینده تغییرات مکاتب فلسفی بعد از رنسانس است، جستجو کرد. جامعه ایده‌آل این جریان مختصاتی دارد که به‌طور مختصر می‌توان آن را در مفهومی به نام توسعه^۴ تعریف کرد. آنچه ارتقاء یافته مفاهیم آن امروزه در قالب اسناد توسعه، منتشر و تبدیل به هدف‌گذاری‌های بین‌المللی در سازمان ملل متحد می‌شود.

1. Oxforddictionaries
2. Schwenk
3. Thomas
4. Development

این جریان در فرآیند تکامل شاخص‌ها، چهار دیدگاه اصلی را پشت سر گذاشته است. اول دیدگاه رشد اقتصادی^۱ در دهه ۱۹۵۰ است که رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی به یک معنا تعبیر شده و اندیشمندان معتقد بودند در صورت افزایش ظرفیت تولید^۲ کشورها می‌توانند به رشد اقتصاد و توسعه اقتصادی دست یابند. پس از بروز تناقض بین رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۷۰، تغییر و تحولات ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفته و جایگاهی فراتر از عوامل کمی برای ایجاد توسعه اقتصادی^۳ به وجود آمد که منجر به ایجاد دیدگاه دوم یعنی توسعه اقتصادی گردید. این روند توسعه اقتصادی طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، علاوه بر بهبود رفاه اقتصادی جوامع، آثار مخربی را بر محیط‌زیست پدید می‌آورد و واژه توسعه پایدار در اعتراض به این وضعیت بیان می‌شود که نمایانگر دیدگاه سوم در تکامل شاخص‌ها است؛ و در نهایت دیدگاه چهارم یعنی توسعه انسانی^۴ ابتدا توسط دانشمندی پاکستانی به نام «محبوب الحق» مطرح و سپس مفهوم مذکور، مورد توجه و پذیرش سیاست‌مداران جهان قرار گرفت. در آن به مفاهیمی جامع‌تر از مفاهیم اقتصادی صرف پرداخته شد. برنامه توسعه ملل متحد در ۱۹۹۰، به تعریف «شاخص توسعه انسانی» پرداخت و انتشار گزارش توسعه انسانی را آغاز نمود (توکلی نژاد، ۱۳۹۹).

آنچه بین تمام این چهار دیدگاه مشترک است، اصالت به شاخص‌های اقتصادی در فهم مسئله و حتی دسته‌بندی و سطح‌بندی کشورها است. در نگاه توسعه غربی، کشورها فارغ از موقعیت جغرافیایی (واقع شدن در غرب یا شرق) براساس شاخص‌های توسعه غربی به کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته تقسیم می‌شوند که به روشنی نمایانگر نوع نگاه این جریان به مسئله است. نتیجه اصالت‌بخشی به اقتصاد در شاخص‌های توسعه - حتی در دیدگاه چهارم یعنی توسعه انسانی - ایجاد الگویی از زندگی است که در آن سطح زندگی مردم بالا رفته، اما فاصله‌ها هر روز بیشتر می‌شود. به هم‌ریختگی منجر به ترک ارزش‌ها و فرهنگ شده و ایده جهانی شدن باعث سلب هویت «ما» و فرهنگ‌های بومی می‌شود. امری که می‌توان از آن تعبیر به «اضمحلال هویتی» به دلیل اشتیاق مردم به توسعه نمود و این همان تهدید بزرگی است که در جریان توسعه

1. Economic Growth
2. GDP
3. Economic Development
4. Human Development Index

غربی با آن مواجه هستیم (سبحانی، ۱۳۹۰). در این جریان شاخص‌های فرهنگی امری تبعی برای توسعه اقتصادی است و به خودی خود اصالت ندارد. لذا اگر گاهی سخن از توسعه فرهنگی و توسعه انسانی و ... به میان می‌آید، مقصود آن فرهنگی است که در خدمت توسعه اقتصادی قرار دارد؛ چنان‌که وقتی سخن از آموزش نیز گفته می‌شود، هرگز آن آموزش عام که ما از این کلمه ادراک می‌کنیم مورد نظر نیست، بلکه منظور آموزش متد و ابزار توسعه در همان وجه خاص است (آوینی، ۱۳۹۰: ۱۷).

رویکرد اسلامی ایرانی پیشرفت

این جریان، جامعه ایده‌آل را طبق مبانی اسلامی و مبتنی بر مبانی حیات طیبه تعریف می‌کند و هر آنچه با این تصویر ناهمگون باشد را مسئله می‌داند. این جریان ریشه‌های اندیشه‌ای خود را از دو منبع موثق به نام قرآن و سنت و البته به روش اجتهادی دریافت می‌کند و جهت تبدیل این مبانی به شاخص‌های عینی و قابل سنجش و متناسب با شرایط را از رویکردی نو به نام فقه نظام ساز بهره می‌برد. در این جریان اسلامیت ما در مفهومی به نام ایرانیت معنا دار شده و منجر به تعیین شاخص‌های پیشرفت می‌شود و همین اسلامیت در جامعه‌ای دیگر مثل عراق یا سوریه در عین اشتراکات بسیار زیاد، شاخص‌های پیشرفت بومی خود را اقتضا می‌کند و به تعبیر دقیق رهبر معظم انقلاب اسلامی، «شرایط ما با شرایط آن کشوری که او هم یک دانشگاه پیشرفته برجسته‌ای دارد، متفاوت است. ما بایستی با فرهنگ خودمان، ایرانی زندگی کنیم، ایرانی باید بیندیشیم و فکر کنیم؛ و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی را در زمینه مسائل علم هم حتماً بایستی رعایت بکنیم که این به نظر من بسیار مهم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸) و به‌طور خلاصه شاخص‌های جامعه ایده‌آل را در این جریان در مفهومی به‌عنوان پیشرفت می‌توان جست.

رویکرد غرب‌زده توسعه‌گرا

اساس مشکلات کشور ناشی از مدیریت این جریان در عرصه مسئله‌یابی است. این جریان نه کاملاً غربی و نه کاملاً اسلامی است. نه به اقتضائات ایرانیت کاملاً ملتزم است و نه آن را کاملاً رها می‌کند. بلکه جریانی التقاطی بین اسلام و غرب ایجاد کرده است. به تبع این التقاط، جامعه ایده‌آل و تصویر مطلوب ذهنی از جامعه را نیز التقاطی تعریف می‌کند (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰). در

حوزه معیشت، جامعه‌ای طبق شاخص‌های توسعه غربی، مدرن محسوب شده و اقتصاد غربی و مبتنی بر توسعه دارد که نتیجه آن آسیب‌پذیرتر شدن قشر مستضعف برای چرخیدن چرخ‌دنده‌های صنعت است؛ به طوری که صدای استخوان‌های آن‌ها شنیده می‌شود اما این جریان شنیدن این صدا را لازم می‌داند. جالب است که این جریان هم‌زمان طبق شاخص‌های پیشرفت اسلامی، مجموعه-های خیریه نیز راه‌اندازی می‌کند که به آسیب‌دیدگان همین نظام اقتصادی غربی کمک کند. یا جامعه‌ای که در حوزه سلامت، به نظام تغذیه غربی تمسک می‌کند و بیماری‌های متعدد و بعضاً لاعلاج اعم از بیماری‌های گوارشی و پوستی و پیش‌ساز سرطان‌هایی مانند روده و خون را برای بشریت به وجود می‌آورد و در همین زمان از خیرین برای تأمین هزینه درمان بیمارانی که در این نظام تغذیه ناسالم بیمار شده‌اند، استفاده می‌کند. مسئله در این جریان کاملاً سطحی و طبق برداشت‌های عامیانه صورت می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: «امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریان‌های غرب‌زده. جریان‌هایی که عاشق غرب‌اند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلمانان غربی - دلشان می‌خواهد که همان‌ها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

مسئله یابی^۱

اگر مسئله هر نوع فاصله وضع موجود تا مطلوب است، چنین فاصله‌ای باید به راحتی قابل تشخیص باشد و توسط عموم افرادی که اندک آشنایی با وضع مطلوب داشته باشند، حس شود (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰). تشخیص مسائل اصلی از فرعی مهارت و دانشی است که باید در سرفصل مسئله‌یابی بر آن تسلط پیدا کرد. در باب اهمیت مسئله‌یابی نقل این سخن کفایت می‌کند «این مسئله‌یابی خیلی چیز مهمی است که ما بنشینیم مسئله‌یابی کنیم و بعد آن مسائل را حل کنیم. خوب هر کشوری بالاخره مسائلی دارد؛ امروز هم ما مشکلاتی داریم، مسائلی داریم، فردا هم مشکلاتی خواهیم داشت و همه کشورهای دنیا، همه جوامع دنیا این جور هستند، مشکلاتی دارند

1. Discover an issue

که این‌ها باید حل بشود؛ این مشکلات باید به صورت علمی حل بشود؛ اگر غیر عالمانه، غیرمدبرانه، بدون فکر و غیر خردمندانه وارد این مشکلات بشویم، حل نخواهد شد، مشکل پیچیده‌تر خواهد شد، استمرار پیدا خواهد کرد، تکثیر خواهد شد و افزایش پیدا خواهد کرد؛ بنابراین مشکلات بایستی عالمانه حل بشود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷).

تفاوت مسئله با واژگان مشابه

باید دقت داشت که مسئله صرفاً با مشکل تشابه نداشته و واژگان دیگری نیز وجود دارند که از جهاتی با مسئله شباهت دارند و باید تمایز این‌ها با یکدیگر و نسبتشان با یکدیگر معلوم شود. با تعریفی که از مسئله ارائه شد، مسئله هر نوع فاصله وضع موجود تا مطلوب است. سپس طبق فرآیند زیر این فاصله فارغ از موضوع و جغرافیا (محلی، استانی، ملی، فراملی) بسته به میزان ملموس و محسوس شدن توسط جامعه مخاطب، ذیل کلیدواژه‌های دیگری دسته‌بندی می‌شود.



شکل ۱. فرآیند تفاوت مسئله با واژگان مشابه

براین اساس مسئله عمیق‌ترین، مکتوم‌ترین و پنهان‌ترین لایه محسوب شده و فاجعه ملموس‌ترین و محسوس‌ترین سطح می‌باشد. لذا هرچه از مسئله به سمت فاجعه حرکت می‌کنیم بروز و نمود و فهم عمومی از هر مرحله نسبت به مرحله قبلی بیشتر می‌شود و این نکته ربطی به این ندارد که موضوع در سطح محلی است یا بین‌المللی، بلکه با این شاخص حتی یک موضوع محلی نیز می‌تواند تبدیل به فاجعه^۱ شود (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰).

کنشگران مسئله‌یابی

گرچه مسئله‌محوری که عبارتی عام‌تر از مسئله‌یابی است رویکردی لازم و ضروری برای تمام مدیران و فعالان در هر عرصه است، اما مسئله‌یابی به‌عنوان یک مأموریت در این رویکرد، وظیفه و توان هر فردی نیست. این مأموریت کلیدی و اساسی نیاز به کنشگر خاص خود دارد. مبتنی بر فرمایشات مقام معظم رهبری، «مسئله‌یابی در حرکت کلان کشور، رویکرد جریان

1. disaster

حلقه‌های میانی برای تحقق نقش بی‌بدیل تسریع در حرکت عمومی مردم در فرآیند تحقق تمدن اسلامی است» (بیانات در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۹۸/۳/۱). با عنایت به این بیان، می‌توان حلقه‌های میانی را این‌گونه تعریف کرد: آن مجموعه‌هایی که واجد ذهن فعال و زبان گویا و دارای تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه، برای ایجاد برنامه عملیاتی و پیدا کرده و ارائه راهکار و همچنین به عنوان هادی و پیشران ملت در حرکت عمومی به سمت تمدن‌سازی اسلامی ایفای نقش می‌کنند، حلقه‌های میانی نام دارند. این حلقه‌ها در واقع حد واسط بین ملت و حاکمیت هستند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۰).

براین اساس حلقه‌های میانی را می‌توان در دسته‌بندی‌های ذیل تعریف کرد که هر یک نقشی مختص به خود به منظور فعالیت مسئله‌محور در فرآیند تمدن‌سازی خواهند داشت. در این میان هر سه حلقه وظیفه مسئله‌یابی عرصه خود را بر عهده دارند ولی حلقه پیشرفت جامع‌ترین و دقیق‌ترین این مجموعه‌ها در فرآیند مسئله‌یابی محسوب می‌شود.

دسته‌بندی حلقه‌های میانی

۱. حلقه پیشرفت

حلقه پیشرفت فارغ از یک عرصه خاص بلکه ناظر به پیشرفت تمام ابعاد و نظام‌های اجتماعی جامعه هدف خود اندیشه‌ورزی می‌کند و به‌عنوان واسطه‌ای بین مردم و حاکمیت به ارائه برنامه پیشرفت همه‌جانبه به مسئولین نقش‌آفرینی می‌کند. اندیشکده‌ها، پژوهشکده‌های ملی و ... نمونه‌ای از حلقه‌های میانی می‌باشند (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰).

۲. حلقه فناوری

حلقه فناوری گروهی است که یک عرصه یا موضوع را انتخاب می‌کند و در آن موضوع به تولید علم و دانش و فناوری می‌پردازد. این دانش ریشه در مسائل جامعه هدف هسته دارد ولی نقش‌آفرینی هسته در حل آن مسئله از سنخ تولید دانش موردنیاز می‌باشد. این هسته از نتایج حلقه‌های میانی بهره می‌برد ولی تفاوتش با حلقه میانی در این است که به تمام ابعاد پیشرفت یک منطقه تمرکز ندارد بلکه یک عرصه یا موضوع خاص را انتخاب می‌کند. شرکت‌های دانش‌بنیان، گروه‌های علمی، استارت‌آپ‌ها، پژوهشکده‌های موضوعی و امثالهم نمونه‌ای از این گروه‌ها می‌باشند (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰).

۳. حلقه تصمیم‌ساز

حلقه تصمیم‌ساز گروهی هستند که یک عرصه یا موضوع را انتخاب می‌کنند و با استفاده از محصولات حلقه‌های پیشرفت و فناوری با تخصصی که در همراه سازی مردم دارند، موضوع را به گفتمان عمومی تبدیل می‌کنند و از مسئولین مربوطه به‌طور خاص مطالبه عمل کردن به برنامه‌های حلقه‌های میانی و دانش هسته‌های فناوری را دارند. گروه‌های دانشجویی مطالبه گر، رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، جرائد، انجمن‌های گفتمانی، کمپین‌ها و غیره نمونه‌ای از این گروه‌ها می‌باشند (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰).

۴. حلقه عملیاتی

حلقه میانی گروهی است که یک عرصه یا موضوع را انتخاب می‌کنند و با استفاده از محصولات حلقه‌های پیشرفت، فناوری و تصمیم‌ساز به وجود آمده توسط فعالیت حلقه تصمیم‌ساز، به فعالیت اجرایی برای حل مشکلات و مسائل مردم می‌پردازند. افراد این گروه غالباً دارای توانمندی‌ها و تخصص‌های اجرایی در موضوع موردنظر می‌باشند. برخلاف سه دسته فوق که باید کمترین وابستگی را به دستگاه‌های حاکمیتی داشته باشند، این دسته از کنشگران حل مسئله، اکثراً باید در دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی مشغول به کار باشند و دارای اختیارات مالی و اجرایی مناسب باشند تا بتوانند به‌درستی به اقدام میدانی و اجرایی برای حل مسائل دست بزنند (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰).



شکل ۲. دسته‌بندی حلقه‌های میانی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری

(علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۰)

جمع‌بندی چارچوب نظری

مسئله محوری اساسی‌ترین رکن برنامه‌ریزی و طراحی مسیر پیشرفت کشور است. در اینجا استفاده از عبارت «پیشرفت» با قصد تمایز رویکرد مبنایی انقلاب اسلامی با غرب در نسخه تجویزی رشد و صلاح اجتماع است. تقابلی که خود را در دو گانه «توسعه» و «پیشرفت» نمایان می‌کند. براین اساس انقلاب اسلامی به دنبال تحقق الگوی پیشرفت برای جامعه مبتنی بر دو مؤلفه «اسلامیت» (دینی بودن) و «ایرانیت» (بومی بودن) است که شاخص‌هایی متفاوت از اسناد و برنامه‌های توسعه تدوین شده در سازمان ملل متحد را شامل می‌شود و در نتیجه نیازمند الگویی متفاوت در شناخت مسائل پیش روی پیشرفت و حل آن‌ها می‌باشد. با توجه به تفاوت مبنایی مسیر توسعه و پیشرفت، تلاش‌های صورت گرفته در ارائه الگوهای مسئله محوری به دلیل ریشه داشتن در الگوهای غربی ثمری برای پیشرفت کشور نداشته و در این زمینه نیازمند الگویی بومی با اقتضائات ایرانی اسلامی هستیم که نمونه موفق و محقق شده آن را دفاع مقدس شاهد هستیم. تحقق الگوی حکمرانی مطلوب انقلاب اسلامی به منظور تسریع در مسیر پیشرفت کشور و تمدن سازی اسلامی، استفاده از ظرفیت حلقه‌های میانی در مسئله‌شناسی و ارائه راه‌حل به دستگاه‌های حاکمیتی است که به‌صراحت در دیدار ۱۳۹۸/۳/۱ مقام معظم رهبری با تشکل‌های دانشجویی مورد تأکید قرار گرفته است. جریان حلقه‌های میانی با بهره‌مندی از الگوی بومی مسئله‌یابی و حل مسئله، نقش تولید دانش و فناوری، تصمیم‌سازی و بعضاً ورود میدانی و حل میدانی مسائل را ایفا می‌کنند. در این میان برخی از حلقه‌های میانی با هدف سیاست‌گذاری و مدیریت جریان پیشرفت کشور در سطحی راهبردی‌تر به ایفای نقش می‌پردازند که می‌توان از آن‌ها به حلقه‌های میانی پیشرفت تعبیر نمود.

۳- روش پژوهش

این پژوهش از نظر پارادایم، تفسیری است و براساس تفسیر داده‌ها و یافته‌های به‌دست آمده، الگویی بومی منبعث از تجربه متراکم دفاع مقدس برای حل مسائل پیچیده ارائه می‌دهد. از نظر هدف، پژوهش در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار دارد و تلاش نموده چارچوبی مفهومی ارائه

دهد. در نتیجه روش پژوهش کیفی و رویکرد آن استقرایی است. گردآوری داده‌ها نیز پس از طراحی پروتکل مصاحبه و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با ۸ نفر از خبرگان دفاع مقدس - که در زمینه پژوهش دارای سابقه فرماندهی و مدیریتی بودند- صورت گرفت. بررسی و تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش‌شناسی تحلیل مضمون انجام شد. براین اساس مضامین استخراج شده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته مبتنی بر رویکرد ارائه شده توسط بویاتریس (۱۹۹۸: ۴) در سه سطح مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر خوشه‌بندی و ارائه گردید. پس از آن مبتنی بر روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری با استفاده از ابعاد و عناصر تعیین شده در تحلیل مضمون، مدل‌سازی با بهره‌گیری گروه کانونی (FG) متشکل از مصاحبه‌شوندگان تشکیل و پس از گفتگو پیرامون ابعاد و عناصر پرسشنامه (ISM) تکمیل شد. به‌طور کلی نقشه راه پژوهش حاضر در سه گام مطالعات مبنایی، مطالعات میدانی و بحث و نتیجه‌گیری صورت گرفته است که در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۳. نقشه راه کلی پژوهش

تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی ساده و کارآمد در تحلیل کیفی است و از پایه‌ای‌ترین روش‌های تحلیل کیفی به شمار می‌رود و پایه‌ای‌ترین روش تحلیل کیفی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این روش شناسی، رویه‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند (هالووی و تودرس^۱، ۲۰۰۳). تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶: ۱۳۴). کدگذاری مضامین را فرآیند پیش‌نیاز برای تحلیل‌های اصلی و متداول کیفی، معرفی می‌کنند (رایان و برنارد^۳، ۲۰۰۰: ۷۷۰).

مضمون یا تم^۴، بیانگر اطلاعاتی پیرامون داده‌ها و پرسش‌های تحقیق بوده و می‌تواند مفهوم الگوی ارائه شده را در مجموع داده‌ها نمایش دهد. مضمون یک ویژگی تکراری و متمایز در متن که نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی است که به نظر پژوهشگر با سؤالات تحقیق مرتبط می‌باشد (کینگ و هوراکس^۵، ۲۰۱۰: ۱۵۰). در این تحقیق از رویکرد «شبکه مضامین^۶» استفاده شده است. شبکه مضامین اولین بار توسط آترید-استرلینگ^۷ (۲۰۰۱) مطرح و نقشه‌ای شبکه‌ای به‌عنوان سازمان‌دهنده و روشی برای نمایش تحلیل مضمون ارائه گردید. شبکه مضامین، مبتنی بر فرآیندی معین، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر را نظام‌مند می‌نماید و مضامین را به صورت نقشه‌های شبکه‌ای، رسم و مضامین سه سطح با در نظر داشتن روابط فی‌مابین را نمایش می‌دهد. از شبکه مضامین ساخته شده به‌عنوان ابزاری تصویری برای تفسیر متن بهره گرفته می‌شود تا نتایج حاصل روشن و واضح شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰؛ آترید-استرلینگ، ۲۰۰۱).

1. †Holloway & Todres
2. †Braun & Clarke
3. †Ryan & Bernard
4. †Theme
5. King & Horrocks
6. †Thematic Network
7. †Attride-Stirling

روایی و پایایی ابزار جمع آوری اطلاعات

اعتبار^۱ و اعتبارپذیری یک پژوهش به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های آن اشاره داشته و شامل درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها، شرکت‌کنندگان و زمینه‌های پژوهش می‌شود (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۳). روش محوری مورد استفاده در این پژوهش برای اثبات روایی و پایایی الگو، ارجاع داده‌ها، یافته‌ها و نتایج به متخصصان دیگر می‌باشد. در این روش پس از مراحل تحلیل مضمون، گام بندی انجام هر یک از مراحل و نتایج مستخرج از آن به متخصصین ارائه گردید و نظرات اصلاحی و راهنمایی ایشان بر نتایج اعمال و اصلاحات لازم و ضروری صورت پذیرفت. در فرآیند استخراج مضامین سعی در استخراج مضامینی بوده که بیشترین قرابت را با ادبیات و مفاهیم مدنظر پژوهش داشته باشد و از ابداع واژگانی جز در موارد ضروری خودداری شود. در ادامه نیز متخصصین در زمینه بازمینی و اصلاحات در بازه‌های زمانی مختلف پژوهش با پژوهشگران نویسنده همکاری نمودند.

مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

مدل‌سازی ساختاری - تفسیری فرایند یادگیری تعاملی و می‌تواند مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط را در یک مدل نظام‌مند جامع ساختار بندی نماید. این روش‌شناسی زیرمجموعه علوم اجتماعی و تصمیم‌گیری گروهی قرار می‌گیرد (ابراهیمی و عین‌علی، ۱۳۹۸: ۴۱۲). این مدل با برقراری نظم در روابط پیچیده، یک سیستم و تشخیص روابط درونی متغیرها کمک می‌کند و تکنیک مناسبی برای تجزیه و تحلیل تأثیر یک متغیر بر متغیرهای دیگر است. این روش‌شناسی، روشی تفسیری برای قضاوت گروهی درباره ارتباطات متغیرها می‌باشد (آذر و همکاران، ۱۳۹۵). از منظر دیگر این مدل ساختاری است؛ چراکه مبنای روابط موجود، ساختاری کلی از مجموعه پیچیده عناصر استخراج می‌شود؛ بنابراین روابط عناصر و ساختار کلی یافت شده، در قالب یک مدل گرافیکی مجسم می‌شود (اصلی‌پور و خان‌محمدی، ۱۳۹۷: ۳۹).

۴- یافته‌های پژوهش

تعیین ابعاد و عناصر

در ابتدا مضامین پایه (۳۱ مضمون) جمع آوری شده پیرامون حل مسائل پیچیده در دوران

واکاوی مدل‌سازی ساختاری تفسیری حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس

دفاع مقدس چند بار خوانش شد و پس از بازخوانی توسط پژوهشگران، در قالب مضامین سازمان دهنده (۸ مضمون) طبقه‌بندی گردید. به این ترتیب مقولات سازمان دهنده با یکدیگر ارتباط داده و نتایج به شرح زیر ارائه گردید.

جدول (۱). نمونه‌ای از شناسه‌گذاری عبارات مصرح در مصاحبه با خبرگان

ردیف	عبارت مصرح مرتبط با پژوهش	مضامین پایه
۱	تمام رزمندگان گوش به دستور و فرمان حضرت امام بودند؛ مثلاً به محضی که امام خمینی (ره) می‌فرمودند خرمشهر باید آزاد شود یا فدا نباید سقوط کند کسی منتظر رسیدن ابلاغ از ستاد جنگ نمی‌ماند (P8-12).	فرامین ولایت‌فقیه
۲	بخش عمده‌ای از مخاطرات امنیتی داخل مرزها توسط شبکه مردمی کشف و اطلاع‌رسانی می‌شد. فلسفه تشکیل بسیج هم ساماندهی به این شبکه مردمی بود (P3-18).	گزارشات مردمی
۳	وجه مزیت‌ها و وجوه قوتی که در داخل وجود داشت، به درستی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. به عبارتی هر کسی هر توانی داشت به عرصه میدان وارد می‌کرد و بر این اساس قوت‌ها شناسایی می‌شد (P7-9).	شناخت نقاط قوت
۴	تحرك دشمن در مرزها توسط مردم و شبکه اطلاعاتی بومی رصد می‌شد و از این طریق در جنگ الگوی شناسایی تهدیدها طراحی و اجرا شد؛ درحالی که شاید در ابتدای جنگ چنین کاری زیرساخت لازم را دارا نبود (P6-14).	شناخت تهدیدات
۵	بر روی کاغذ آوردن مشکلات اولیه و سپس تصمیم‌گیری در مورد میزان اهمیت هر کدام از اقدامات اولیه‌ای بود که برای طراحی هر عملیاتی باید صورت می‌گرفت. در این زمینه منابع میدانی کمک کار بودند (P3-7).	تهیه فهرست مسائل
۶	در جنگ فقط با مسائل نظامی و دفاعی مواجه نبودیم. مسائل فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، ترورها و ... همه و همه مسائلی بود که هم‌زمان در داخل مطرح می‌شد. برای حل مسائل باید ارتباط این عرصه‌ها با هم به دست می‌آمد تا بتوان در مورد هر یک تصمیم صحیح را گرفت (P1-17).	نسبت یابی مسائل با یکدیگر
۷	از مزیت‌های و ویژگی‌های خاص جنگ استعدادیابی در حین عملیات است. جنگ فرصتی برای شناخت انسان‌ها و کار سپردن به تناسب ویژگی‌های هر یک را فراهم کرد (P5-9).	مخاطب شناسی

ردیف	عبارت مصرح مرتبط با پژوهش	مضامین پایه
۸	نه فقط بدنه اصلی رزمندگان، بلکه بدنه اصلی فرماندهان را نیز جوانان شکل دادند. جوان‌هایی با سنین بسیار پایین (P2-6).	اعتماد به جوانان
۹	عملیات‌هایی توسط جوانان در جنگ طراحی شد که هنوز در دانشگاه‌های دافوس دنیا در حال تدریس است. علت این موضوع این است که بسیاری از فرماندهان جوان آموزش‌های دافوس را ندیده بودند لذا خلایق ذهنی آن‌ها کشته نشده بود (P6-10).	خلایق داشتن در طرح‌ریزی
۱۰	در دفاع مقدس شرایط به نحوی سازمان‌دهی شده بود که ناخودآگاه، میزان موفقیت یا عدم موفقیت فعالیت‌ها در میدان دیده شود (P5-2).	ارزیابی در میدان

جدول (۲). شبکه مضامین حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس	شناخت وضعیت مطلوب	فرامین ولایت‌فقیه
		توجه به تدابیر قرارگاه‌های عملیاتی
		دغدغه‌های عمومی مردم
	جمع‌آوری اطلاعات	گزارشات مردمی
		شبکه اطلاعات دفاعی
		شبکه اطلاعات امنیتی
	تجزیه و تحلیل وضعیت موجود	شناخت نقاط قوت
		شناخت نقاط ضعف
		شناخت تهدیدات
		شناخت فرصت‌ها
	کشف و شناسایی مسائل	تهیه فهرست مسائل
		نسبت‌یابی مسائل با یکدیگر
		ریشه‌یابی مسائل
		اولویت‌بندی مسائل
	محیط‌شناسی	نهاد شناسی
مخاطب شناسی		

واکاوی مدل‌سازی ساختاری تفسیری حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	ایده پردازی	خلاقیت داشتن در طرح‌ریزی
		مهیا بودن بستر بیان ایده‌ها و نظرات
		نوآوری اجتماعی در حل مسائل
		کم بودن فاصله ایده پردازی تا عمل
		توسعه روابط و تعاملات بین شخصی
		اعتماد به جوانان
	برنامه‌ریزی اقدام	تفویض اختیار
		طراحی عملیات‌های کوچک موفق
		توجه به توانمندی‌های سازمان
		تمرکز بروی راه‌حل مسائل
		توجه به تکلیف محوری انقلابی
		بازخورد‌گیری مستمر از میدان
	ارزیابی و اثرسنجی	ارزیابی در میدان
		ارزیابی شانه‌به‌شانه
		سنجش مستمر عملکرد

ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)^۱

ماتریس خودتعاملی ساختاری، یک ماتریس مربع و به ابعاد مضامین است و در تعیین روابط بین مضامین از یک طیف چهارتایی به شرح جدول (۳) استفاده شده است:

جدول (۳). ارائه طیف و تعیین روابط بین مضامین در ماتریس خودتعاملی ساختاری

مفهوم نماد	نماد
عامل سطر i زمینه‌ساز رسیدن به ستون j می‌شود.	V
عامل سطر i زمینه‌ساز رسیدن به ستون i می‌شود.	A

1. Structural Self-Interaction Matrix

مفهوم نماد	نماد
عوامل سطر i و زهر دو زمینه ساز یکدیگرند.	X
هیچ نوع ارتباطی بین عوامل i و j وجود ندارد.	O

نتایج به دست آمده از پرسش نامه های تکمیل شده توسط خبرگان حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس، با یکدیگر جمع و نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴). معرفی مؤلفه ها و نمادها ماتریس خودتعاملی ساختاری

نماد	مؤلفه	نماد	مؤلفه
D02	جمع آوری اطلاعات	D01	شناخت وضعیت مطلوب
D04	کشف و شناسایی مسائل	D03	تجزیه و تحلیل وضعیت موجود
D06	ایده پردازی	D05	محیط شناسی
D08	ارزیابی و اثرسنجی	D07	برنامه ریزی اقدام

جدول (۵). محاسبه ماتریس خودتعاملی مضامین سازمان دهنده (SSIM)

D08	D07	D06	D05	D04	D03	D02	D01	SSIM
V	V	V	V	V	V	V		D01
V	O	O	A	V	V		A	D02
X	V	V	O	V		A	A	D03
O	V	O	O		A	A	A	D04
O	V	V		O	O	V	A	D05
O	V		A	O	A	O	A	D06
X		A	A	A	A	O	A	D07
	X	O	O	O	X	A	A	D08

طراحی ماتریس دستیابی (RM)^۱

ماتریس دستیابی از تبدیل کردن ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دوارزشی^۰ و ۱ به دست می‌آید. در این ماتریس درایه‌های قطر اصلی برابر با یک است و روابط ثانویه کنترل می‌شود. بدین معنا که I به Z منجر شود Z ، در نتیجه باید I به Z منجر گردد. به عبارت دیگر اگر اثر مستقیم براساس روابط ثانویه در نظر گرفته می‌شود پس اگر در عمل این اتفاق نیفتد باید جدول اصلاح و رابطه ثانویه نیز نشان داده شود. ماتریس دستیابی شامل مضامین موردنظر در پژوهش در جدول (۶) ارائه گردید.

جدول (۶). ماتریس دریافتی اولیه

D08	D07	D06	D05	D04	D03	D02	D01	SSIM
1	1	1	1	1	1	1	0	D01
1	0	0	0	1	1	0	0	D02
1	1	1	0	1	0	0	0	D03
0	1	0	0	0	0	0	0	D04
0	1	1	0	0	0	1	0	D05
0	1	0	0	0	0	0	0	D06
1	0	0	0	0	0	0	0	D07
0	1	0	0	0	1	0	0	D08

تعیین سطوح عوامل

تعیین سطح و اولویت عوامل با توجه به مجموعه دستیابی^۲ و مجموعه پیش‌نیاز^۳ تعیین می‌گردد. مجموعه دستیابی هر عامل مشتمل بر عواملی است که تأثیر می‌پذیرند و مجموعه عوامل پیش‌نیاز مشتمل بر عواملی است که تأثیر می‌گذارند. این تأثیر و تأثر با ماتریس دستیابی حاصل

1. Reachability Matrix
2. Reachability Set
3. Antecedent Set

می‌گردد. عناصر مشترک مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر یک از عوامل، شناسایی و تعیین سطح می‌گردد. عاملی که دارای بالاترین سطح بوده و عناصر آن کاملاً یکسان هستند از جدول حذف شده و با عوامل باقی‌مانده نمایش داده می‌شود و عامل تکرار دوم مشخص شده و این عمل را تا تعیین سطح همه عوامل ادامه داده‌ایم.

جدول (۷). تعیین عوامل سطوح

تکرار	عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	عوامل مشترک	سطح
اول	۷	۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۸-۷-۳	۸-۷-۳	۶
	۸	۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۸-۷-۶-۵-۴-۳	۸-۷-۶-۵-۴-۳	۶
دوم	۴	۸-۵-۴-۳-۲-۱	۴	۴	۵
	۶	۶-۵-۳-۱	۶	۶	۵
سوم	۳	۵-۳-۲-۱	۳	۳	۴
چهارم	۲	۲-۱	۵-۲-۱	۲-۱	۳
پنجم	۵	۵-۱	۵-۱	۵-۱	۲
ششم	۱	۱	۱	۱	۱

تحلیل MICMAC

تحلیل MICMAC به منظور تشخیص و تحلیل قدرت هدایت و وابستگی متغیرها، براساس قدرت نفوذ یا هدایت و وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شود (یاوری، ۱۳۹۱: ۲۰۷). دسته اول متغیرهای خودمختارند. دسته دوم متغیرهای وابسته و دسته سوم متغیرهای پیوندی هستند. دسته چهارم نیز متغیرهای مستقل‌اند. مقادیر قدرت نفوذ و وابستگی عوامل در جدول (۸) و شکل (۴) گزارش شده است.

جدول (۸). ماتریس نهایی

نفوذ	D08	D07	D06	D05	D04	D03	D02	D01	SSIM
8	1	1	1	1	1	1	1	1	D01
6	1	1	1	0	1	1	1	0	D02
5	1	1	1	0	1	1	0	0	D03

واکاوی مدل‌سازی ساختاری تفسیری حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس

نفوذ	D08	D07	D06	D05	D04	D03	D02	D01	SSIM
3	1	1	0	0	1	0	0	0	D04
7	1	1	1	1	1	1	1	0	D05
3	1	1	1	0	0	0	0	0	D06
3	1	1	0	0	0	1	0	0	D07
5	1	1	1	0	1	1	0	0	D08
	8	8	6	2	6	6	3	1	وابستگی

جدول (۹). ماتریس میزان وابستگی و میزان نفوذ

میزان نفوذ	میزان وابستگی	مؤلفه
۸	۱	شناخت وضعیت مطلوب
۶	۳	جمع‌آوری اطلاعات
۵	۶	تجزیه و تحلیل وضعیت موجود
۳	۶	کشف و شناسایی مسائل
۷	۲	محیط‌شناسی
۳	۶	ایده‌پردازی
۳	۸	برنامه‌ریزی اقدام
۵	۸	ارزیابی و اثربسنجی

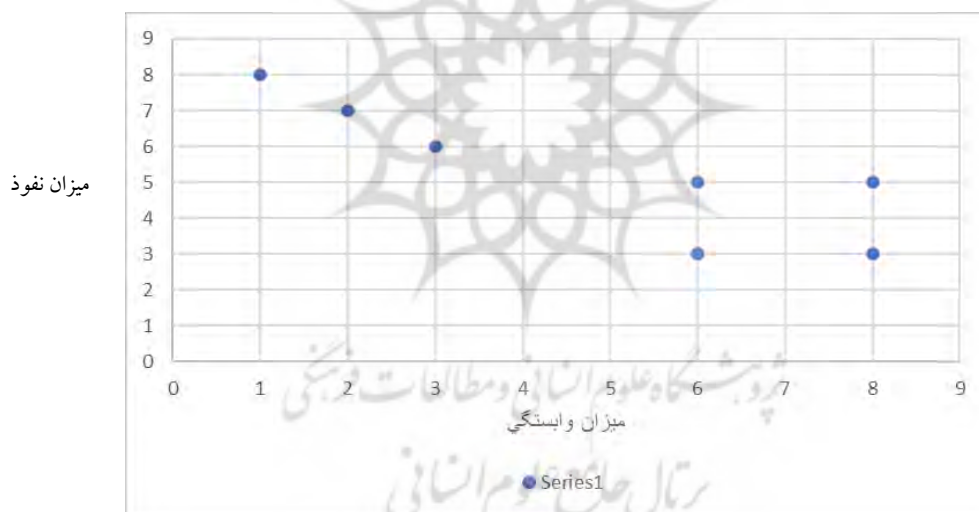
اولویت‌بندی نیز، براساس میزان قدرت نفوذ وابستگی و وابستگی مضامین سازمان دهنده بر یکدیگر تعیین شد. در این پژوهش مضمون شناخت وضع مطلوب به‌عنوان زیربنایی‌ترین و اصلی‌ترین مضمون شناسایی شد. می‌توان اظهار کرد که مضمون شناخت وضع مطلوب و سپس مضمون محیط‌شناسی دارای بالاترین قدرت نفوذ و کمترین وابستگی به سایر مضامین مرتبط با حل مسائل پیچیده است. مضمون سازمان دهنده شناخت وضع مطلوب در این پژوهش زیربنا و زمینه‌ساز تحقق مضامین دیگر است. براساس این نتایج اگر بدنه مدیریتی کشور، به شناخت وضع مطلوب توجه و اهتمام جدی داشته باشد، سطوح بعدی، در مسیر موردنظر خود قرار خواهد گرفت. به‌تبع آن در سطوح بعدی نیز نسبت به سطح قبل چنین نسبتی وجود دارد. موضوعی که در جدول میک - مک نیز گزارش شده است. با توجه به روش تجزیه و تحلیل میک - مک هر یک از مضامین را می‌توان براساس قدرت نفوذ و وابستگی در گروه‌های زیر تقسیم نمود.

الف) گروه متغیرهای خودمختار: این گروه میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارد و عموماً از سامانه جدا می‌شود؛ زیرا دارای اتصالات ضعیف با سامانه است (حصیرچی و همکاران، ۱۴۰۰).

ب) گروه متغیرهای وابسته: این گروه از متغیرها دارای تأثیرپذیری زیاد و تأثیرگذاری کم بر سامانه دارد.

ج) گروه متغیرهای پیوندی: این گروه از متغیرها وابستگی زیاد و قدرت هدایت فراوانی داشته و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این گروه بسیار زیاد است و هر تغییر کوچکی منجر به تغییرات اساسی در سامانه می‌شود (تولایی و محمدزاده علمداری، ۱۳۹۶).

د) گروه متغیر مستقل: این گروه وابستگی کم هدایت زیاد دارد و یا عبارتی دقیق‌تر تأثیرگذاری زیاد و تأثیرپذیری کم از ویژگی این گروه از متغیرها می‌باشد و که در شکل زیر گزارش شده است.



شکل ۴. قدرت نفوذ و وابستگی عوامل (خروجی میک مک)

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به استخراج و مدل‌سازی ساختاری تفسیری الگوی حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس پرداخته شد و با در نظر داشتن اهمیت دفاع مقدس به عنوان الگوی مواجهه با مسائل پیچیده در یک محیط دفاعی و ضرورت آن به عنوان منبع اصلی حل مسئله، تلاش گردید تا دانش ضمنی موجود در این زمینه تبدیل به دانش صریح و مدل قابل عرضه به سایر عرصه‌های مدیریتی کشور گردد.

تبدیل این دانش ضمنی به دانش صریح با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و پیشکسوتان حل مسئله در دوران دفاع مقدس امکان‌پذیر بود و این امر حاصل شد. نتایج مصاحبه‌ها نمایانگر مؤلفه‌های «شناخت وضعیت مطلوب، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل وضعیت موجود، کشف و شناسایی مسائل، محیط‌شناسی، ایده پردازی، برنامه‌ریزی اقدام و ارزیابی و اثرسنجی» به عنوان شاکله الگوی مسئله‌محوری در دفاع مقدس است.

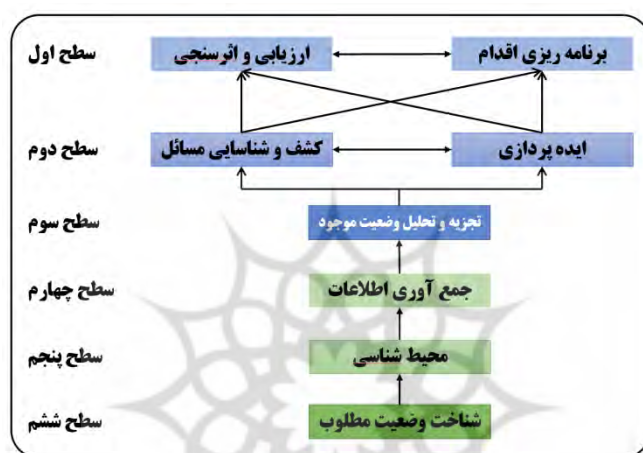
بررسی ارتباط مؤلفه‌ها با یکدیگر حاکی از آن است که در گام اول، حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس مبتنی بر ترسیم صحیح وضعیت مطلوب و وحدت رویه در این امر قابل تحقق است. ناظر به مضامین سازمان‌دهنده نتایج تأییدکننده این است که:

۱. شناخت وضعیت مطلوب: تعیین هدف در دفاع مقدس با حفظ وحدت رویه از منبع واحد یعنی ولی فقیه صورت می‌گرفته است. منابع دیگر از جمله تدابیر قرارگاه‌های عملیاتی و دغدغه‌های عمومی مردم در امتداد این منبع واحد و به منظور تعیین اهداف خرد و عملیاتی مورد توجه مسئولین تصمیم‌گیر در دفاع مقدس بوده است.
۲. جمع‌آوری اطلاعات: تجمیع اطلاعات با ضریب خطای کم و گستردگی بالا نقش مهمی در مدیریت حل مسائل داشته است. در این راستا استفاده از گزارشات مردمی نقش تعیین‌کننده داشته و سپس راه‌اندازی شبکه اطلاعات امنیتی در داخل مرزها و شبکه اطلاعات دفاعی در مرزها و خارج از مرزها به منظور جمع‌آوری اطلاعات تأثیر شگرفی در جهت‌دهی به تصمیمات فرماندهان برای حل مسائل پیچیده داشته است.
۳. تجزیه و تحلیل وضعیت موجود: اطلاعات به دست آمده از شبکه‌های مردمی، دفاعی و امنیتی در فرآیندی تحلیلی تبدیل به ۴ دسته ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها

- می‌شده که در نتیجه آن گزاره‌های به‌دست‌آمده قابلیت تعیین استراتژی‌های جنگ را پیدا می‌کرده است.
۴. کشف و شناسایی مسائل: تهیه فهرست مسائل مبتنی بر تهدیدها و ضعف‌های بالفعل در دوران دفاع مقدس صورت می‌گرفته است. این مسائل یا مشکلات اولیه با علت‌یابی و ریشه‌یابی تبدیل به مسائلی دارای ارتباطات مشخص با یکدیگر می‌شدند که در نتیجه آن، اولویت‌بندی مسائل برای تمرکز بر مسائل پیچیده و طراحی راه‌حل‌ها مشخص می‌شده است.
۵. محیط‌شناسی: تعبیر از محیط‌شناسی در جنگ به‌منظور شناخت نهادها و دستگاه‌های متولی هر مسئله بوده است. به این طریق از موازی کاری جلوگیری شده و تقسیم‌کار صحیحی بین دستگاه‌ها و نهادها مرتبط با مسائل در جنگ صورت می‌آ گرفته است. همچنین مخاطب‌شناسی محور دوم محیط‌شناسی و به معنای شناسایی استعدادها، ظرفیت‌های انسانی، نیازمندی‌ها و ... مورد توجه تصمیم‌گیران در دفاع مقدس برای حل مسائل پیچیده بوده است.
۶. ایده پردازی: استفاده از ظرفیت جوانان منجر به ایجاد خلاقیت در راهکارها و راه‌حل‌ها می‌شده است؛ و از آنجایی که بیشترین سازمان‌دهی جوانان در قالب بسیج مردمی شکل می‌آ گرفت، محیط، روند و بستری مشخص برای ایده‌پردازی عموم مردم فراهم می‌آ گردید که در نتیجه آن خلاقیت‌ها گسترش پیدا می‌آ کرد. نوآوری‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای حل مسائل و اعتماد به جوانان باعث توسعه روابط و ارتباطات بین شخصی شده و به واسطه وجود بستر عملیاتی‌سازی ایده‌ها، فاصله نظر تا عمل کاهش پیدا کرده و ایده‌ها نوآورانه و در عین حال عملیاتی می‌شدند.
۷. برنامه‌ریزی اقدام: تعریف عملیات‌های خرد و کوچک ولی مطمئن و موفق مخصوصاً در سال‌های اولیه جنگ باعث ایجاد اعتماد به نفس در میان جوانان می‌شد. در نتیجه امکان تفویض اختیار به فرماندهان جوان فراهم می‌شد. به این طریق ضمن توجه به ظرفیت‌های سازمان که از طراحی‌های غیرواقع‌بینانه جلوگیری می‌آ کرد، تکلیف‌گرایی در کنار اعتماد به نفس به وجود آمده، منجر به طراحی عملیات‌های با ضریب موفقیت بالا می‌شد.

۸. ارزیابی و اثرسنجی: عرصه جنگ به دلیل عینی و ملموس بودن، منجر به ارزیابی میدانی و مستمر طرح‌ها و ایده می‌شده است. در این زمینه از ظرفیت ارزیابی شانه‌به‌شانه به طور حداکثری استفاده می‌شده است.

تعیین روابط و اولویت‌بندی مضامین سازمان دهنده لازمه ارائه الگویی مدون از حل مسائل پیچیده در دفاع مقدس بود؛ لذا پس از تعیین سطوح عوامل با استفاده از نتایج به‌دست آمده مدل مدنظر در قالب شکل (۲) ارائه گردید.



شکل ۵. ساختاری تفسیری حل مسائل پیچیده (علی‌پور و شادمان‌فر، ۱۴۰۱)

در مجموع براساس یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادات زیر ارائه شده است:

۱. الگوی حل مسائل پیچیده در دوران دفاع مقدس به‌عنوان الگوی عملیاتی مدیران در سایر عرصه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.
۲. شاخص‌های به‌دست آمده از این الگو مبنای ارزیابی عملکرد مدیران در برنامه‌ریزی‌های حل مسائل پیچیده قرار گیرد.
۳. مبانی نظری هر یک از مضامین سازمان‌دهنده به‌دست آمده در این پژوهش، مبنای تعریف پروژه‌های پژوهشی اسلامی قرار گیرد.
۴. الگوی به‌دست آمده جهت آموزش و توانمندسازی فرماندهان نیروهای مسلح مورد بهره‌برداری و تبدیل به دوره‌های عرضی تخصصی گردد.

منابع

۱. آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا (۱۳۹۵). تحقیق در عملیات نرم، رویکردهای ساختاردهی مسئله، تهران: نشر سازمان مدیریت دولتی.
۲. آوینی، سید مرتضی (۱۳۹۰). توسعه و مبانی تمدن غرب. تهران: نشر واحد.
۳. الوانی، سید مهدی (۱۳۹۹). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. ویراست سوم، تهران: انتشارات سمت.
۴. تولایی، روح‌الله و محمدزاده علمداری، مهرداد (۱۳۹۶). فنون و ابزارهای روش تحقیق در مدیریت، تهران: جهاد دانشگاهی صنعتی امیرکبیر.
۵. توکلی‌نژاد، حسن (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی، تهران: نشر فوژان کتاب.
۶. مجیدی، محمدرضا و سبزی کریم‌آبادی، یونس (۱۴۰۰). جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی با نگاهی به مقوله تحزب، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۱، صص. ۲۹-۵۲.
۷. مقیمی، سید مهدی و فرهنگ، حمیدرضا (۱۳۹۰). مسئله محوری در پیشگیری وضعی از جرم، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۵، شماره ۱۸، صص. ۱۱۹-۱۵۳.
۸. حصیرچی، امیر؛ تولایی، روح‌الله و عبدالهی، عبادالله (۱۴۰۰). الگوی مدیریت جهادی در فعالیت‌های سازندگی با رویکرد الگوسازی ساختاری تفسیری (ISM)، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۹، شماره ۲، صص. ۴۳-۹۹.
۹. عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۱، صص. ۱۹-۳۴.
۱۰. علیپور، محمدحسین و شادمان‌فر، محمدحسین (۱۴۰۰). گوی و میدان گام‌به‌گام مسئله‌یابی تا حل مسئله، تهران: نشر سدید.
۱۱. اصلی‌پور، حسین و خان‌محمدی، هادی (۱۳۹۷). تحلیل ساختاری-تفسیری سیاست‌گذاری در موضوعات راهبردی سطح ملی (مورد مطالعه: مسائل زیست‌محیطی کشور)، بهبود مدیریت، دوره ۱۲، شماره پیاپی ۴۱، صص. ۲۵-۴۴.

۱۲. ابراهیمی، سیدعباس و عین‌علی، محسن (۱۳۹۸). ارائه چارچوبی برای تبیین تسخیر خط‌مشی‌های عمومی با کاربری روش تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری - تفسیری، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۱۱، شماره ۳، صص. ۴۰۳-۴۳۰.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹، از طریق سایت www.khamenei.ir در تاریخ‌های: ۱۳۹۳/۵/۱، ۱۳۹۷/۳/۳۰، ۱۳۹۸/۳/۱ و ۱۳۹۸/۷/۱۷.
14. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
15. Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage.
16. Holloway, I., & Todres, L. (2003). The status of method: flexibility, consistency and coherence. *Qualitative research*, 3(3), 345-357.
17. Ryan, G. W., & Bernard, H. R. (2000). Techniques to identify themes in qualitative data. In.
18. Kush, M. (2015). The statement problem. *Quality progress*, 48(6), 71.
19. Schwenk, C., & Thomas, H. (1983). Formulating the mess: The role of decision aids in problem formulation. *Omega*, 11(3), 239-252.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی